

شرح
منطق مظفر

جلد اول

شارح

استاد جمشید صاعدی سمیرمی

صاعدی سمیرمی جمشید ۱۳۴۰ هـ ش .
 شرح منطق مظفر / به کوشش جمشید صاعدی سمیرمی
 (۱۳۳۵ هـ ش). - قم: نشر برگزیده، ۱۳۸۴.
 ۳۲۰ ص. - (برگزیده؛ منطق ۱) چاپ اول
 کتاب نامه: ص. ۱۳۲۰ همچنین به صورت زیرنویس.
 ۱. منطق ۲. فلسفه.
 الف) صاعدی، جمشید، ۱۳۳۵ - تألیف. ب) نشر برگزیده

شرح منطق مظفر جلد اول

● مؤلف: علامه محمد رضا مظفر

○ شارح: جمشید صاعدی سمیرمی

○ تولید و توزیع: ارزشمند

● صفحه آرایی: مرکز فرهنگ‌پنرسبا

حروف‌نگاری: واحد رایانه یاران علوی

○ چاپ اول: پاییز ۱۳۸۴ / شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

● چاپ متن: ولی عصر عج چاپ جلد: یاران / ناشر: برگزیده

● شابک: ۹۶۴-۷۷۳۲-۲۹-۵

○ کلیه حقوق چاپ محفوظ و مخصوص می‌باشد

مراکز پخش:

تهران: شریعتی، خواجه‌نصیر - ساختمان طوس، طبقه پنجم، واحد ۱۴ تلفن: ۷۵۲۵۷۵۷

تهران: مقابل دانشگاه، خ فخر رازی، ک فاتحی، پلاک ۲۷ اندیشه اسلامی تلفن: ۶۹۶۱۴۹۷

قم: خیابان شهدا - کوی ۲۳ - تلفن ۷۷۴۴۱۲۵

۲۰۰۰ تومان

۳۶	تصور مطلق
۳۶	متعلق تصور و تصدیق چیست؟
۳۸	اقسام تصدیق
۴۱	جهل و اقسام آن
۴۲	۱- جهل تصویری
۴۲	۲- جهل تصدیقی
۴۲	الف) جهل بسیط:
۴۳	ب) جهل مرکب:
۴۴	جهل مرکب علم نیست
۴۵	علم ضروری و نظری
۴۵	۱- ضروری
۴۵	۲- نظری
۴۶	توضیحی درباره علم ضروری
۴۷	اسباب توجه نفس
۴۷	۱- انتباه
۴۷	۲- سلامت ذهن
۴۷	۳- سلامت حواس
۴۸	۴- فقدان شبهه
۴۸	۵- عملیات غیر عقلیه
۴۹	تعریف فکر و نظر
۵۱	بحثهای منطق
۵۲	معرف
۵۲	حجت

باب اول

مباحث الفاظ	۵۳
نیاز به مباحث الفاظ	۵۵
۱- وجود خارجی	۵۵
۲- وجود ذهنی	۵۶
۳- وجود لفظی	۵۶
۴- وجود کتبی	۵۶
دلالت	۶۱
تعریف دلالت	۶۱
اقسام دلالت	۶۱
۱- دلالت عقلیه	۶۲
۲- دلالت طبعیه	۶۳
۳- دلالت وضعیه	۶۳
اقسام دلالت وضعیه	۶۳
۱- دلالت وضعیه لفظیه	۶۴
۲- دلالت وضعیه غیر لفظیه	۶۴
دلالت لفظیه	۶۵
۱- مطابقیه	۶۵
۲- تضمنیه	۶۵
۳- التزامیه	۶۶
شروط دلالت التزامیه	۶۷
تقسیمات الفاظ	۶۸
۱- مختص	۶۹

۶۹	۲- مشترك
۶۹	۳- منقول
۷۰	الف) منقول عرفی
۷۰	ب) منقول شرعی
۷۰	ج) منقول منطقی
۷۰	د) منقول نحوی
۷۰	ه) منقول فلسفی
۷۰	۴- مرتجل
۷۱	۵- حقیقت و مجاز
۷۲	الف) منقول تعینی
۷۲	ب) منقول تعینی
۷۴	ترادف و تباین
۷۴	۱- مترادف
۷۴	۲- متباین
۷۵	قسمت الفاظ متباینه
۷۵	۱- مثلاً
۷۶	الف) مثلین به طور اختصاصی
۷۶	ب) متجانسین
۷۶	ج) متساویین
۷۶	د) متشابهین
۷۷	۲- متخالفان
۷۸	۱- تخالف در شخص
۷۹	۲- تخالف در نوع

۷۹	 ۳- تخالف در جنس
۸۰	 متقابلان
۸۰	 الف) قید وحدت محل:
۸۰	 ب) قید وحدت جهت:
۸۱	 ج) قید وحدت زمان:
۸۱	 اقسام تقابل
۸۱	 ۱- تقابل تقيضين
۸۲	 آیا واسطه ای بین وجود و عدم است؟
۸۳	 ۲- تقابل ملکه و عدم آن
۸۴	 ۳- تقابل ضدین
۸۵	 ۴- تقابل متضایفین
۸۷	 مفرد و مرکب
۸۷	 ۱- مفرد
۸۸	 ۲- مرکب
۸۸	 اقسام مرکب
۸۹	 مرکب تام
۹۱	 الف) خبر
۹۳	 اقسام مفرد

باب دوم

۹۷	 مباحث کلی
۹۹	 کلی و جزئی
۱۰۰	 تکمله تعریف جزئی و کلی

۱۰۲	مدلول حروف
۱۰۲	مداليل كلمات و افعال
۱۰۳	مداليل اسماء
۱۰۳	جزئی اضافی
۱۰۴	وجه تسمیه جزئی اضافی
۱۰۴	توضیح جزئی اضافی
۱۰۶	۱- کلی متواطی
۱۰۶	۲- کلی مشکک
۱۰۷	مفهوم و مصداق
۱۰۷	مفهوم
۱۰۷	دقت!
۱۰۷	مصداق
۱۰۷	مفاهیم کلی
۱۰۸	دقت!
۱۰۸	مفهوم و مصداق در عدم
۱۰۸	الف) مفهوم عدم
۱۰۹	ب) مصداق عدم
۱۰۹	دقت!
۱۱۰	عنوان و معنوی
۱۱۵	نسبتهای چهار گانه
۱۱۵	اهمیت بحث
۱۱۶	۱- نسبت تساوی
۱۱۷	۲- نسبت عموم و خصوص مطلق

۱۱۸	۳- نسبت عموم و خصوص من وجه
۱۱۸	۴- نسبت تباین
۱۲۰	نسبت میان نقیض دو کَلّی
۱۲۰	اقامه برهان برای تعیین نسبت
۱۲۰	برهان استقصاء و دوران و تردید
۱۲۴	تباین جزئی:
۱۲۶	تفاوت قوانین عقلی با قوانین اجتماعی و شرعی
۱۳۱	کلیات خمس
۱۳۱	کلی
۱۳۲	تقسیمات ذاتی
۱۳۵	تقسیمات
۱۳۶	۱- تقسیمات نوع
۱۳۶	نوع اضافی
۱۳۷	۲- تقسیمات جنس
۱۳۸	۳- تقسیمات نوع اضافی
۱۳۸	۴- تقسیمات فصل
۱۴۱	تقسیمات عرضی
۱۴۱	۱- عرض خاص
۱۴۳	۲- عرض عام
۱۴۴	صنف
۱۴۵	فرق تصنیف با تنويع
۱۴۶	حمل و انواع آن

۱۴۸	۱- حمل طبعی و حمل وضعی
۱۴۹	اعم از جهت مفهوم
۱۴۹	۲- حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی
۱۵۱	۳- حمل موافات و حمل اشتقاق
۱۵۳	معنای عروض، حمل است
۱۵۵	عرض
۱۵۶	منشاء اشتباه
۱۵۷	تقسیمات عرضی
۱۵۷	۱- عرضی لازم
۱۵۷	۲- عرضی مفارق
۱۵۸	تقسیمات عرضی لازم
۱۵۸	۱- عرضی لازم و بین به معنای اخص
۱۵۹	۲- عرضی لازم بین به معنای اعم
۱۵۹	علت نامگذاری بین به معنای اعم
۱۶۰	تقسیمات عرضی مفارق
۱۶۰	۱- عرضی مفارق دائم
۱۶۰	۲- عرضی مفارق سریع الزوال
۱۶۱	۳- عرضی مفارق بطئ الزوال
۱۶۲	کلی منطقی، طبیعی، عقلی
۱۶۳	۱- کلی طبیعی
۱۶۳	۲- کلی منطقی
۱۶۳	۳- کلی عقلی

باب سوم

تعریف و تقسیم	۱۶۵
مقدمه	۱۶۶
۱- هل بسیطه	۱۶۹
۲- هل مرکبه	۱۶۹
مای حقیقیه	۱۶۹
وجه تسمیه مای حقیقیه	۱۷۰
خلاصه و تکمیل بحث	۱۷۱
فروع مطالب	۱۷۲
تعریف	۱۷۴
اقسام تعریف	۱۷۵
۱- حد تام	۱۷۶
یک سؤال	۱۷۷
حاصل بیان	۱۷۸
۲- حد ناقص	۱۸۰
تقسیمات حد ناقص	۱۸۰
۳- رسم تام	۱۸۱
۴- رسم ناقص	۱۸۲
فوائد رسم تام و ناقص	۱۸۲
آیا اصلاً تعریف حقیقی اشیاء ممکن است؟	۱۸۳
تعریف به مثال (روش استقرائی)	۱۸۴
آیا تعریف به مثال قسم جدایی از تعریف است؟	۱۸۵
تعریف به تشبیه	۱۸۵
شرط	۱۸۵
شروط تعریف	۱۸۶

۱۸۸	الف) تعریف به مساوی
۱۸۸	ب) تعریف به اخفی
۱۸۹	علت عدم صحت عین به عین چیست؟
۱۹۰	اقسام دور
۱۹۲	تقسیم
۱۹۲	تعریف تقسیم
۱۹۲	مقسم
۱۹۲	قسم
۱۹۲	قسیم
۱۹۳	فایده تقسیم
۱۹۶	اصول تقسیم
۱۹۶	۱- لزوم ثمره
۱۹۶	۲- لزوم تباین اقسام
۱۹۷	نتایج این شرط
۱۹۷	يك اشتباه
۱۹۸	۳- اساس تقسیم
۱۹۹	۴- جامعیت و مانعیت
۲۰۰	انواع قسمت
۲۰۰	۱- قسمت طبیعی
۲۰۱	۲- قسمت منطقی
۲۰۲	جهت واحده
۲۰۳	اسالیب قسمت
۲۰۳	۱- شیوه قسمت ثنائی
۲۰۷	۲- شیوه تقسیم تفصیلی
۲۰۸	تعریف توسط تقسیم

۲۰۹	 کسب تعریف توسط تقسیم
۲۱۱	 روش تحلیل عقلی
۲۱۶	 روش تقسیم منطقی ثنائی

باب چهارم

۲۱۷	 قضایا و احکام آن
۲۱۹	 فصل اول: قضایا
۲۱۹	 قضیه
۲۲۰	 مقصود از مدلولهای التزامی چیست؟
۲۲۱	 اقسام قضیه
۲۲۱	 ۱- قضیه حملیه
۲۲۱	 ۲- قضیه شرطیه
۲۲۳	 شرطیه: متصله و منفصله
۲۲۴	 موجب و سالبه
۲۲۵	 اجزاء قضیه
۲۲۶	 اقسام قضیه به اعتبار موضوع
۲۲۶	 قضیه شخصی
۲۲۶	 قضیه طبیعی
۲۲۶	 علامت
۲۲۷	 قضیه مهمله
۲۲۷	 علامت
۲۲۷	 تنبیه:
۲۲۸	 قضیه محصوره
۲۲۸	 تقسیم قضیه محصوره به اعتبار کمیت افراد
۲۲۸	 ۱- کلیه

۲۲۸	 ۲- جزئیہ
۲۳۰	 سور قضیہ و الفاظ آن
۲۳۱	 رموز الفاظ فوق
۲۳۲	 اقسام شرطیہ
۲۳۲	 شخصیہ، مہملہ، محصورہ
۲۳۲	 ۱- شخصیہ
۲۳۲	 الف) متصلہ شخصیہ
۲۳۲	 ب) منفصلہ شخصیہ
۲۳۳	 ۲- مہملہ
۲۳۳	 الف) مہملہ متصلہ:
۲۳۳	 ب) مہملہ منفصلہ:
۲۳۳	 ۳- محصورہ شرطیہ
۲۳۴	 ۱- محصورہ کلیہ
۲۳۴	 ۲- محصورہ جزئیہ
۲۳۴	 الف) متصلہ جزئیہ
۲۳۴	 ب) منفصلہ جزئیہ
۲۳۶	 تقسیمات حملیہ
۲۳۶	 مقدمہ
۲۳۶	 تقسیم اول: ذہنیہ، خارجیہ، حقیقیہ
۲۳۷	 آیا در قضیہ حملیہ سالیہ موضوع لازم است؟
۲۳۸	 ۱- قضیہ ذہنیہ
۲۳۸	 ۲- قضیہ خارجیہ
۲۳۸	 ۳- قضیہ حقیقیہ
۲۳۹	 تقسیم دوم: محصلہ، معدولہ
۲۴۰	 تنبیہ:

۲۴۱	تقسیم سوم: موجهات
۲۴۱	ماده قضیه
۲۴۱	۱- وجوب
۲۴۱	۲- امتناع
۲۴۲	۳- امکان
۲۴۳	امکان عام
۲۴۴	جهت قضیه
۲۴۵	انواع موجهات
۲۴۵	اقسام موجهه بسیطه
۲۴۵	۱- ضروریه ذاتیه
۲۴۶	۲- مشروطه عامه
۲۴۷	۳- دائمه مطلقه
۲۴۷	۴- عرفیه عامه
۲۴۸	۵- مطلقه عامه
۲۴۸	۶- حینیه مطلقه
۲۴۸	۷- ممکنه عامه
۲۴۹	۸- حینیه ممکنه
۲۴۹	اقسام مرکبه
۲۵۰	مورد نیاز ما به قضیه مرکبه
۲۵۰	بررسی مثال
۲۵۲	مهمترین و معمول ترین قضایای مرکبه
۲۵۲	۱- مشروطه خاصه
۲۵۲	دو احتمال
۲۵۳	۲- عرفیه خاصه
۲۵۳	حاصل

۲۵۴	وجه تسمیه عرفیه خاصه
۲۵۴	۳- وجودیه لازوریه
۲۵۵	۴- وجودیه لادائمه
۲۵۶	۵- حینیه لادائمه
۲۵۶	۶- ممکنه خاصه
۲۵۸	تقسیمات دیگر شرطیه
۲۵۸	۱- لزومیه
۲۵۹	۲- اتفاقیه
۲۵۹	اقسام منفصله
۲۵۹	۱- عنادیه
۲۶۰	۲- اتفاقیه
۲۶۰	۱- حقیقیه
۲۶۱	۲- مانعه الجمع
۲۶۱	کاربرد مانعه الجمع
۲۶۲	موارد کاربرد
۲۶۳	۱- تألیف قضایای شرطیه
۲۶۳	قضیه متصله از يك حملیه و يك متصله
۲۶۴	قضیه متصله از يك حملیه و يك منفصله
۲۶۴	۲- قضایای منحرفه
۲۶۶	تطبیقات
۲۶۸	فصل دوم: احکام قضایا
۲۶۸	مقدمه
۲۶۹	تناقض
۲۶۹	نیاز به بحث تناقض
۲۷۰	يك گمان نابجا

۲۷۰	تعریف تناقض
۲۷۱	شروط تناقض
۲۷۱	وحدتهای هشت گانه
۲۷۳	جهت اختلاف در متناقضین
۲۷۴	علت اختلاف در کم و کیف
۲۷۴	ب) اختلاف در جهت
۲۷۴	جهات متعدد:
۲۷۷	تداخل، تضاد و دخول در تحت تضاد
۲۷۷	۱- متداخلان
۲۷۸	۲- متضادان
۲۷۹	وجه متضاد بودن دوقضیه
۲۷۹	۳- داخلتان در تحت تضاد
۲۷۹	وجه تسمیه
۲۸۱	عکسها
۲۸۱	عکس مستوی
۲۸۲	دو اصطلاح کلمه عکس
۲۸۳	شروط عکس
۲۸۳	۱- عکس موجب کلیه، موجب جزئیه است
۲۸۵	۲- عکس موجب جزئیه، موجب جزئیه است
۲۸۶	۳- عکس سالبه کلیه، سالبه کلیه است
۲۸۸	۴- سالبه جزئیه، عکس ندارد
۲۸۸	۵- منفصله عکس ندارد
۲۹۰	عکس نقیض
۲۹۰	۱- طریق قدما
۲۹۱	۲- طریق متأخرین

۲۹۱		قاعدهٔ عکس نقیض از جهت کم
۲۹۲		اثبات عکس نقیض سالبه کلیه
۲۹۲		الف) برهان عکس نقیض موافق:
۲۹۳		ب) برهان عکس نقیض مخالف:
۲۹۴		اثبات عکس نقیض سالبه جزئیه
۲۹۴		الف) اثبات عکس نقیض موافق:
۲۹۶		ب) اثبات عکس نقیض مخالف:
۲۹۸		اثبات عکس نقیض موجب کلیه
۲۹۸		الف) برهان موافق:
۲۹۹		ب) برهان مخالف:
۳۰۰		موجب جزئیه عکس نقیض ندارد
۳۰۳		نقض
۳۰۴		قانون هر کدام
۳۰۴		منقوضه المحمول
۳۰۸		۱- شیوهٔ تبدیل اصل
۳۰۹		۲- تبدیل معدوله المحمول
۳۰۹		قاعده نقض تام و نقض موضوع
۳۱۳		موجب جزئیه
۳۱۴		سالبه جزئیه
۳۱۶		بدیهی منطقی

درآمد

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل على محمد و آله الطاهرين.

مقدمه

حقیقت این است که دنیای امروز از نظر علمی و گسترش مکاتب و نظریات فلسفی، گسترش فراوانی پیدا کرده است و همین مسأله موجب خواهد شد که وظیفه طلاب و دانشجویان را نسبت به دفاع از مبانی فکری اسلامی و فلسفی خود مضاعف گرداند.

دانش منطق همواره این خدمت را نموده است که قالبی باشد برای تشخیص افکار صحیح از ناصحیح؛ این دانش خدمتش همیشه این بوده است که ذهن آدمی را از خطای در افکارش مصون داشته است، و اگر احیاناً کسی با فراگیری منطق دچار افکار نادرستی هم هست، یا بدین جهت است که به خوبی از عهده فراگیری این دانش بر نیامده است، و یا به هنگام نیاز نتوانسته است که به خوبی از آن استفاده نماید.

فراگیری دقیق این دانش از طرفی، و به کارگیری آن در مواقع لازم، مبنای فکری انسان را در مجرای صحیح به جریان می اندازد، به علاوه

دانش منطق آدمی را به این سلاح مجهز می‌نماید که بتواند استدلالات فلاسفه را محک زده و افکار خویش را مستدل سازد. این دانش که میراث گرانبهای «ارسطو» فیلسوف بزرگ یونانی و شاگرد «افلاطون» است، در طول تاریخ همواره مورد توجه اهل دانش خصوصاً دوستداران فلسفه و حکمت بوده و هست. کتب فراوانی نیز درباره آن تدوین گردیده و مورد مطالعه و درس و بحث دوستداران آن قرار گرفته است. آن طوری که در گذشته و زمان ما منطق را فرا می‌گرفتند، متأسفانه امروز به آن شکل به دنبال آن نمی‌روند. این مسأله تنها مخصوص منطق نیست، و به سایر علوم دیگر نیز سرایت کرده است. نه خبر از «حاشیه ملا عبدالله» است و نه «شمسیه» و نه خبر از «سیوطی» و «مختصر» و «مطول» است و نه خبری از کتب دیگر. اگر چه نویسنده سخت معتقد است که با توجه به عمر طلبه و دانشجو باید کتب از زوائد پیراسته شود، اما نه به شکلی که کتب پر بار گذشته متروک گردد. به هر حال یکی از کتب بسیار نفیسی که در علم منطق تدوین شده است، همین کتاب مورد شرح یعنی «المنطق» مرحوم آقا محمد رضا مظفر است، که انصافاً باید گفت که یکی از بهترین کتب منطقی برای تدریس می‌باشد. به همین جهت است که نویسنده بعد از تدریس دوره های مختلفی از آن تصمیم گرفت که شرحی روان و آسان بر آن نوشته و در اختیار اهل علم قرار دهد. حال اینکه تا چه اندازه در این کار موفق شده باشد، قضاوت را باید به عهده خوانندگان گرامی گذاشت. به سنت تشکر همین جا لازم است که از خانمهای زهرا شعبانی، غزاله

سبز پوشان و مژگان کیوان که در کار تایپ و تصحیح اغلاط چاپی سعی
بلیغ نمودند تشکر بعمل آورم. امید که رساله حاضر قبول حق را در پی
داشته و پسند خاطر خوانندگان را فراهم آورد و در آغاز و انجام آن از
حق مدد می جویم که او بهترین مددکنندگان است.

پائیز / ۱۳۸۳ مطابق شوال المکرم / ۱۴۲۵

جمشید صاعدی سمیرمی

نیاز به منطق

خداوند به جهت عقلی که به انسان داده است او را متفکر آفریده است ولی با این حال افکار او دچار خطاهای بسیاری می‌شود. به عنوان مثال چیزی را که علت نیست، علت می‌داند و یا چیزی را که به عنوان نتیجه افکارش نیست، نتیجه می‌پندارد؛ و یا تو بگو چیزی را که برهان نمی‌باشد، فکر می‌کند که برهان است؛ و یا مسأله بصورت دیگر است. یعنی از يك سری مقدمات فاسد به امر صحیحی اعتقاد پیدا می‌کند و حال آنکه تو خود می‌دانی که اگر مقدمات فاسد باشد، هیچگاه نتیجه صحیح بدست نمی‌دهد. همینجا است که نیاز ما به دانش منطق مشخص می‌شود. و آن اینکه ما همه محتاج به دانشی هستیم که آن دانش افکار را تصحیح کرده و ما را برای يك نتیجه‌گیری صحیح ارشاد نماید. از این جهت است که منطقین گفته اند که علم منطق ابزاری است که آدمی با کمک گیری از آن، از خطاهای فکری در امان می‌ماند و نیز به کمک آن ابزار به تصحیح افکارش راهنمایی می‌شود. و می‌توان بطور خلاصه بیان داشت که حاجت ما به این دانش برای تصحیح افکارمان است. حال اگر کسی بیاید و اعتراض کند و بگوید که خیلی ها به فراگیری این دانش مشغولند ولی در افکارشان خطا کرده و به اصطلاح افکار درست و حسابی ندارند بنابراین بنظر می‌رسد که با این حساب نفعی و برکتی در فراگیری آموزه های منطقی وجود ندارد. در پاسخ از اعتراض فوق باید گفت که علت خطای فکری

فراگیرندگان دانش منطق یکی از دو امر است:

۱- یا این است که دانش منطق برای او ملکه نشده است، یعنی به صورتی در نیامده است که در هنگام احتیاج فوراً مسائل منطق یادش بیاید و بر اساس آن اندیشه نماید.

۲- و یا اهل مراعات نیست، یعنی چه؟ یعنی در زمان حاجت، به قواعد آن عمل نمی‌کند و یا در تطبیق قواعد منطقی با افکارش، دچار خطاء می‌شود و به اصطلاح تطبیق او خوب نیست.

تعریف علم منطق

به خاطر مطالبی که گفته شد دانشمندان منطق این علم را به این صورت تعریف نموده اند که:

«آلة قانونية تعصم مراعاتها الذهن عن الخطأ في الفكر»

یعنی منطق ابزاری است قانونی که مراعات آن ذهن را از خطای در فکر مصون میدارد.

منطق آلت و ابزار است

مصنف می‌گوید تو بیا نگاه کن به کلمه (آلة) که در تعریف آمده است و بعد هم در این مورد تأمل کن. اگر اینکار را بکنی به خوبی متوجه این واقعیت می‌شوی که دانش منطق از اقسام علوم آلی است و نه اصالی. علوم اصالی خودشان مورد نظر هستند اما علوم آلی مستخدمند؛ مستخدم برای

حصول يك غایتي که آن غایت چیز دیگری غیر از نفس مسائل منطقی است. من بدنبال مسأله دیگری هستم، یعنی به دنبال این هستم که بدانم جهان حادث است و یا قدیم؟ منتها چه کنم! برای اینکه این مطلب را بفهمم، ناچارم که مسائل منطق را فرا گرفته تا خواسته ام حاصل شود. اینجا چیزی که هدف مرا تشکیل می دهد دانستن حدوث یا قدم عالم است و نه نفس مسائل دانش منطق؛ چه کنم برای اینکه به مجهول خود برسم ناچارم که از این راه بروم. بنابراین دانش منطق، متکفل بیان طرق عامه صحیحه است که با توسل به آن طرق عامه صحیحه، به حقایق مجهوله می رسیم. علم منطق از این جهت به مانند علم جبر است که از طرق حل معادلاتی بحث می کند که ریاضی دان با توسل به آن طرق، مجهولات حساییه خود را روشن می نماید. روی همین حساب است که دانش منطق را «میزان» و «معیار» نام گذاشته اند. حالا اگر میزان باشد از وزن و اگر معیار باشد از عیار اخذ شده است. و نیز آن را «خادم العلوم» نامگذاری کرده اند، چرا که علم منطق به همه دانشها و فهم مسائل آنها خدمت می نماید. پس مسائل هر علمی را با مجهز شدن به سلاح منطق به خوبی می توان فرا گرفت. البته باید برای انسان ملکه شود تا به هنگام نیاز از آن بتوان بهره گرفت و مسائل منطقی را با بحث مورد نظر به خوبی تطبیق داد.